



Imam Sadiq Research Institute
for Islamic Sciences

Research Institute for Political
and Defence Studies

P-ISSN: 3795-2538 & E-ISSN: 2783-1299

Website: <http://sjs.isri.ac.ir>

Volume : 4 ; Number: 7

Drivers of Political Ethics in the Formation of New Islamic Civilization with Emphasis on the Views of the Supreme Leader

Mahmoud Ramezani *, Hossein Hajipour **

<https://doi.org/10.22034/rcdir.2024.436688.1075>

Received: 2024/01/19; Accepted: 2024/04/08

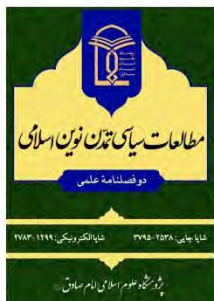
Type of Article: Research

PP:32-52

Abstract

Given the pivotal role of political ethics in shaping the new Islamic civilization, this research aims to analytically identify the key drivers of political ethics that influence the formation of an Islamic civilization, based on Quranic verses and traditions. Given that Ayatollah Khamenei has been the architect of the concept of the new Islamic civilization, this study focuses on the speeches and views of Ayatollah Khamenei to discover the drivers of political ethics and their relationship with the new Islamic civilization. Although numerous factors influence the formation of the new Islamic civilization, certain fundamental elements, such as justice, unity, human dignity, peaceful coexistence, preserving the dignity and superiority of Muslims, jihad, and the concept of expectation, play a more prominent role as drivers of political ethics, as emphasized by Ayatollah Khamenei.

Keywords: Islamic Ethics, Political Ethics, Driving force, New Islamic civilization, Ayatollah Khamenei.



*. Instructor, Department of Islamic Education, Yadgar Imam Unit, Islamic Azad University, Shahrari, Iran, ramezani_m@chmail.ir.

** . Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Yadgar Imam Unit, Islamic Azad University, Shahrari, Iran, hajipour110@chmail.ir.



پژوهشگاه علوم اسلام صادق
پژوهشگاه علوم اسلام صادق
پژوهشگاه علوم اسلام صادق
P-ISSN: 3795-2538 & E-ISSN: 2783-1299
http://sjs.isri.ac.ir



*. مربی گروه معارف اسلامی، واحد یادگار امام، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرری، ایران،
ramezani_m@chmail.ir

** استادیار گروه معارف اسلامی، واحد یادگار امام، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرری، ایران،
hajipour110@chmail.ir

پیشران‌های اخلاق سیاسی در شکل‌دهی تمدن نوین اسلامی با تأکید بر دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای دامنه‌الله

محمود رضانی*، حسین حاجی‌پور**

شناسه دیجیتال (DOI): <https://doi.org/10.22034/rcdir.2024436688.1075>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱/۲۰

نوع مقاله: پژوهشی

صص: ۳۲-۵۲

چکیده

با توجه به نقش و جایگاه اخلاق سیاسی در شکل‌دهی تمدن نوین اسلامی، این پژوهش درصدد است تا با روش تحلیلی ضمن بیان دیدگاه اسلام درباره اخلاق سیاسی و تمدن نوین اسلامی، پیشران‌های اخلاق سیاسی تأثیرگذار در شکل‌دهی تمدن اسلامی را براساس آیات قرآن و سنت ارائه کند. البته، از آنجاکه آیت‌الله خامنه‌ای دامنه‌الله طراح مبحث تمدن نوین اسلامی بوده است، کشف پیشران‌های اخلاق سیاسی و نحوه ارتباط و تأثیرگذاری آن‌ها با تمدن نوین اسلامی بر محور بیانات و دیدگاه‌های ایشان تحلیل شده است و گرچه عوامل، زمینه‌ها، محورها، اصول و مؤلفه‌های متعددی در تمدن‌سازی نوین اسلامی تأثیرگذارند، اما برخی عناصر اساسی به‌عنوان پیشران‌های اخلاق سیاسی در شکل‌گیری تمدن اسلامی نقش پررنگ‌تری دارند و موجب تسریع در این زمینه می‌شوند که با تأکید بر دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای دامنه‌الله این پیشران‌ها، عدالت، تألیف قلوب، کرامت و تکریم انسانی، وحدت و همزیستی مسالمت‌آمیز، حفظ عزت و برتری مسلمانان بر کفار، مجاهدت و مقوله انتظار هستند.

واژگان کلیدی: اخلاق اسلامی، اخلاق سیاسی، پیشران، تمدن نوین اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای دامنه‌الله.

مقدمه

بسیاری از اندیشمندان و صاحب‌نظران معاصر برای ایجاد هر تمدن، چهار رکن اساسی قائل‌اند که عبارت‌اند از: امور اقتصادی، سازمان سیاسی، سنن اخلاقی، و آگاهی و واقع‌بینی (ویل دورانت، ۱۳۷۰، ج ۱: ص ۱۶). بنابراین، از جمله عوامل مؤثر در رشد و شکوفایی هر تمدنی، اخلاق و توصیه‌های اخلاقی رایج در آن فرهنگ است. باتوجه‌به اینکه دین اسلام نیز متشکل از سه بخش احکام، اخلاق و اعتقادات است، می‌توان وجود اخلاق اسلامی را در رشد و شکوفایی تمدن نوین اسلامی مؤثر دانست. ازسویی، یکی از شاخه‌های بسیار مهم اخلاق، اخلاق سیاسی است که مبتنی بر ارزش‌های اخلاق اجتماعی است و اصولاً در هر جامعه یا تشکّل اجتماعی، وقتی اخلاقیات رشد می‌کند و مردم آن اجتماع، اصول اخلاقی را محترم می‌شمارند، جوّ اعتماد، زمینه توسعه ارتباط را فراهم می‌کند و گسترش دامنه ارتباطات، به نمایان شدن فرهنگ می‌انجامد. با شکل‌گیری بستر فرهنگی مساعد و ایجاد زمینه تفاهم، انسان برای حفظ و تقویت تفاهم در نظام اجتماعی خود، ناچار از قانونمندی است. یک جامعه متمدن، قانونمند و آجد فرهنگ، حتی فرهنگ واحد و منسجم، اگر اصول اخلاقی را در نظر نگیرد، قادر به ادامه مسیر به‌سوی مدنیت نخواهد بود. در چنین جامعه‌ای، اگر افراد تنها به حفظ حقوق عمومی دعوت شوند و تنها در برابر قانون مسئول باشند، نه تنها جرم، جنایت، فقر و فحشا ریشه‌کن نخواهد شد، بلکه تاحدی رشد خواهد یافت و این همان عاملی است که تداوم آن موجب فروپاشی فرهنگ و قانون می‌شود؛ پدیده‌ای که در جامعه آمریکایی و برخی کشورهای اروپایی رخ داده است؛ بنابراین، بررسی سیر تحولات تمدن‌های بزرگ بر این امر واقف می‌کند که فرسایش تمدن، گاه در اوج قانونمندی و کمال فرهنگی روی می‌دهد و با از دست رفتن اصول اخلاقی، به‌سوی فرسایش و انحطاط سیر می‌کند (ولایتی، ۱۳۸۳: ۴۰).

هدف اصلی اسلام از سیاست، کسب منافع مادی نیست، بلکه اعتلای معنوی انسان‌ها و ایجاد تمدن اسلامی است؛ همان مدینه فاضله‌ای که اندیشمند بزرگی مثل فارابی، در اوج تمدن اسلامی به آن اشاره کرده است.

تمدن بزرگ اسلامی که از قرن دهم و یازدهم هجری از اوج و اعتلای خود فاصله می‌گیرد و در قرن دوازدهم و سیزدهم هجری رو به افول می‌گذارد، با پیروزی انقلاب

اسلامی ایران حیاتی دوباره یافته و بارقه امید برای ایجاد "تمدن نوین اسلامی" شکل می‌گیرد. یکی از پایه‌های این تمدن نوین اسلامی، اخلاق اسلامی، به‌ویژه اخلاق سیاسی، است و بلکه به تعبیری، اخلاق سیاسی پایه اساسی شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی است و نبود آن، چالشی بزرگ برای شکل‌دهی تمدن نوین اسلامی است؛ بنابراین، پژوهش پیش‌رو درصدد است تا با روش توصیفی تحلیلی، پیشران‌های اخلاق سیاسی را در مسیر شکل‌دهی تمدن نوین اسلامی کشف و ارائه کند؛ پیشران‌هایی که عامل تأثیرگذار در این زمینه می‌باشند.

۱. مفهوم‌شناسی

مفاهیم اصلی پژوهش عبارت‌اند از: اخلاق اسلامی، اخلاق سیاسی، پیشران، و تمدن نوین اسلامی.

اخلاق در اصطلاح، به دو معنای کلی به‌کاررفته است که در یک رویکرد همان صفات درونی است که موجب بروز افعال خودجوش و بدون نیاز به تفکر از سوی انسان می‌شود (شبر، ۱۳۹۵ق: ۱۰؛ نراقی، ۱۳۶۴: ۳۲). اما طبق رویکرد دیگر، افزون‌بر صفات درونی، افعال اختیاری انسان را هم در بر می‌گیرد (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۲۱). در این پژوهش اخلاق بر هر دو محور صفات و افعال اختیاری انسان تأکید کرده و اخلاق اسلامی را ساختار ارزش‌ها و بایستگی‌هایی معرفی می‌کند که دایرمدار دین الهی و بر مبنای حسن فاعلی و حسن فعلی هستند (حاجی‌پور و مولوی، ۱۴۰۱، ش: ۵۶: ۹).

منظور از اخلاق سیاسی که جزیی از اخلاق اجتماعی است (شیروانی، ۱۳۸۴: ۵۴). مجموعه‌ای از ارزش‌ها، بایسته‌ها، رفتارها و گزاره‌هایی نظیر حق‌جویی، عدالت‌محوری، ابزارانگاری قدرت، تقوای سیاسی، کرامت انسانی، مردم‌گرایی، صلح‌مداری، پایبندی به عهد و پیمان و تدبیر و مصلحت‌سنجی در عرصه کشورداری است (مهاجرنیا، ۱۳۸۱: ۵۵-۶۶)؛ به‌تعبیر دیگر، مراد از اخلاق سیاسی، آن دسته از فضایل نفسانی و رفتارهای اخلاقی است که در عین فراگیری برای همه، برای سیاستمداران ضرورت بیشتری دارد؛ زیرا آنان بیش از دیگران فرصت تحقق بخشیدن آن را دارند (الهامی‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۸). البته، اخلاق سیاسی در اینجا بیشتر متناظر به فعل اخلاقی است.

برای پیشران که در لغت به معنای جلوراندن، سوق دادن و پیش‌بردن آمده، تعاریف

گونگونگی بیان شده که در برخی تعاریف به عوامل و نیروهای پیش‌برنده و در برخی دیگر آن به نیروهای تغییرساز تعریف کرده‌اند که سبب تحول‌آفرینی در جامعه می‌شود. هم‌چنین، به راهبردها و عواملی برای برون‌رفت از وضعیت موجود نیز تعریف شده است (مولوی و سیاهپوش، ۱۴۰۲: ۱۵۱-۱۵۲؛ لطفی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۰۱). در اینجا منظور از پیشران‌های اخلاق سیاسی همان اصول پیش‌برنده اخلاقی است که در شکل‌دهی تمدن نوین اسلامی نقش ویژه و تأثیرگذاری دارند.

تمدن نیز به مجموعه‌ای از پدیده‌های اجتماعی انتقال‌پذیر تعریف شده که جنبه‌های مذهبی، اخلاقی، زیباشناسی، فنی و علمی مشترک در یک جامعه یا چند جامعه مرتبط با یکدیگر را به خود می‌گیرد (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۹۹). ویل دورانت تمدن را نظم اجتماعی می‌داند که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و جریان می‌یابد (ویل دورانت، ۱۳۷۰، ج ۱: ۳). تمدن اسلامی که جنبه اعتقادی و تاریخی دارد، از طرفی به معنای تمدنی است که محورها و عناصر تمدنی آن الهی و اسلامی است و از طرفی به معنای تمدنی است که در طول تاریخ توسط مسلمانان و جهان اسلام شکل گرفته بود. مقام معظم رهبری تمدن اسلامی را فضایی می‌داند که انسان در آن فضا به لحاظ معنوی و مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی برسد که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است. زندگی خوب و عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت. تمدن اسلامی به این معنی است و هدف و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۳/۰۳/۲۲). اما تمدن نوین اسلامی، به تعبیر مقام معظم رهبری «عَلَمٌ لِلدَّارِ الْآخِرَةِ»، همان تمدن اسلامی متناسب با این زمان (همان ۱۳۹۸/۸/۲۴) است که استعدادهای متناسب با زمان شکوفا بشود و خودش را نشان بدهد (همان، ۱۴۰۱/۲/۲۱).

۲. پیشران‌های اخلاق سیاسی در ایجاد تمدن نوین اسلامی

اسلام دارای یک مجموعه اصول است که برخی از اصول مربوط به مسائل سیاسی است و در اخلاق سیاسی باید مورد توجه قرار گیرد؛ اصولی نظیر سازگاری گفتار و کردار، ادای امانت الهی، نرمی با مردم، پرهیز از بی‌اعتنایی و دروغ، وفاداری به حقوق مستمندان و مردم، امانت‌داری، پرهیز از خودبزرگ‌بینی، ترس از خدا در اسرار

پنهانی، اطاعت الهی، رعایت عدل و انصاف، پرهیز از اختلاف، نظم، عدم سلطه‌پذیری، تعاون بر خیر، تألیف قلوب، وفای به عقود (خسروپناه، ۱۳۸۴: ۷۵). این مسئولیت‌ها یا تکالیف که برعهده مسلمانان است، از نظر وسعت و میدان احتمالی عمل، حدود مرزی ندارد و کل عالم را دربرمی‌گیرد (منسکی و دیگران، ۱۳۷۸: ۴۰۳). اما در بین این اصول و معیارهای اخلاق اجتماعی، برخی از آن‌ها نقش پیش‌بران و راهبردی پیش‌برنده در جهت شکل‌دهی و تسریع تمدن نوین اسلامی را برعهده دارند که تبیین و تحلیل می‌گردند.

۲-۱. عدالت

عدالت و برقراری از مهم‌ترین مفاهیم و شاخص‌های اخلاق سیاسی است و در اسلام، از مهم‌ترین ارزش‌ها و بایستگی‌های اخلاقی به‌شمار می‌رود که خودش منشأ و عنصر محوری در دیگر اخلاقیات از جمله تعاملات اخلاق اجتماعی و سیاست‌های ملی و بین‌المللی است.

توضیح آنکه قرآن کریم عدالت را محور تکوین و حرکت هستی می‌داند و می‌فرماید: «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلَكُ وَ أُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (آل عمران: ۱۸). وقتی تأکید قرآن بر بنای مدیریت هستی طبق قسط و عدل است (طباطبایی، بی‌تا، ج ۳: ۱۱۳)، ایجاد تمدن نوین اسلامی نیز به‌عنوان بخش اجتماعی و اختیاری انسان‌ها در حرکت تکوین هستی نیز باید بر همین مبنای مبنای بدهد تا با نظم و تمدن موردنظر خداوند و اسلام همسو باشد. هم‌چنین قرآن کریم یکی از فلسفه‌های مهم بعثت پیامبران را عدالت معرفی می‌کند؛ همان بزرگوارانی که در طول تاریخ سعی داشته‌اند تمدن فطری الهی را شکل دهند، اما مردم و قوم آن‌ها همراهی نکرده بودند. قرآن کریم می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵). توجه‌برانگیز است که عدالت موردنظر آیه فوق، صرفاً جنبه فردی و بلکه اجتماع محدود نیست، بلکه عدالت اجتماعی در سطح گسترده است که می‌تواند همان عدالت تمدنی را هم در برگیرد. به تعبیر علامه طباطبایی مراد از عدالت، عدالت اجتماعی و عبارت از آن است که با هریک از افراد جامعه به‌گونه‌ای رفتار شود که مستحق آن هستند... و منظور آن است که هریک از افراد اجتماع عدالت‌محور باشند (طباطبایی، بی‌تا، ج ۱۹: ۱۷۱). هم‌چنین وقتی قرآن کریم، عدالت

در اقتصاد (بقره: ۲۸۲)، عدالت در صلح (حجرات: ۹)، عدالت در جنگ (مائده: ۲)، و رعایت عدالت درباره غیرهم‌کیشان (ممتحنه: ۸) را مطرح می‌کند، جنبه‌های مختلف عدالت اجتماعی در شکل‌دهی تمدنی آن نیز فهم می‌شود.

باتوجه به اینکه جمهوری اسلامی به‌عنوان طراح مبحث تمدن نوین اسلامی، باید مقدمه‌ساز چنین تمدنی باشد، ابتدا باید عدالت اجتماعی تمدن ساز را در عرصه کشوری اجرایی نماید که مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید: «از همه این شاخص‌ها مهم‌تر، شاخص کلیدی و مهم عدالت اجتماعی است؛ یعنی ما رونق اقتصادی کشور را بدون تأمین عدالت اجتماعی به‌هیچ‌وجه قبول نداریم و معتقد به آن نیستیم. کشورهایی هستند که شاخص‌هایشان خیلی خوب است، مطلوب است، رشد اقتصادی‌شان خیلی بالا است؛ لکن تبعیض، اختلاف طبقاتی، نبود عدالت در آن کشورها محسوس است؛ ما این را به‌هیچ‌وجه منطبق با خواست اسلام و اهداف جمهوری اسلامی نمی‌دانیم (آیت‌الله، بیانات، ۱۳۷۹/۷/۱۴، ۱۳۸۳/۳/۱۸، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

وقتی مقام معظم رهبری علیه‌السلام فوری‌ترین هدف تشکیل نظام اسلامی را به‌عنوان مقدمه‌ساز تمدن نوین اسلامی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی می‌داند و تأکید می‌کند که هر نظامی هرچند با آرایش اسلامی، اگر تأمین قسط و عدل و نجات ضعفا و محرومین، در سرلوحه برنامه‌های آن نباشد، غیراسلامی و منافقانه است (همان، ۱۳۷۹/۷/۱۴؛ ۱۳۸۳/۳/۱۸؛ ۱۳۹۲/۱۲/۲۰)، قطعاً گفتمان عدالت و بلکه عدالت‌گستری در تمدن نوین اسلامی، نقش بنیادین خواهد داشت.

مقام معظم رهبری علیه‌السلام پیوسته بر گفتمان مبارزه با ظلم که نقطه مقابل عدالت است، در سطح بین‌المللی تأکید داشته و همین بستر گسترده‌ای برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی است. به تعبیر مقام معظم رهبری، وقتی نظامی شعار عدالت بدهد و با ظلم دریفتد؛ یعنی با ظالم‌ها درافتاده است. ظالم‌ها چه کسانی هستند؟ همیشه قلد‌های دنیا ظالم‌اند؛ ظالم‌ها هم همان قلد‌ها هستند. کمتر اتفاق می‌افتد که آدم‌های ضعیف، ظالم شوند. زورداران هستند که ظالم می‌شوند؛ پس، به‌طور طبیعی، نظام اسلامی با این‌ها درمی‌افتد (همان، ۱۳۸۰/۹/۲۱).

درگیری با ظلم در سطح جهانی و حمایت همیشگی از مظلومان و مستضعفان

عالم بر خاسته از آموزه «كُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَّ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا» است که در بیانات رهبری علیه السلام به عنوان نقطه اتکا در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی مؤثر است. ایشان اسلام ظلم‌ستیز، اسلام عدالت‌خواه، اسلام مجاهد، اسلام طرف‌دار محرومان، اسلام مدافع حقوق پابرهنگان و رنج‌دیدگان و مستضعفان را مانند امام خمینی در مقابل اسلام آمریکائی برمی‌شمارد و اسلام آمریکایی را اسلام تشریفاتی، اسلام بی‌تفاوت در مقابل ظلم، در مقابل زیاده‌خواهی، اسلام بی‌تفاوت در مقابل دست‌اندازی به حقوق مظلومان، و اسلام کمک به زورگویان معرفی می‌کند (همان، ۱۳۸۹/۳/۱۴). قطعاً چنین محوری است که تمدن‌ساز است.

۲-۲. تألیف قلوب

یکی از قواعد اخلاقی و ارزشی که اسلام بر آن تأکید دارد، تألیف قلوب است. تألیف که در لغت به معنای اجتماع یا پیوستن به هم و ضمیمه کردن در کنار هم است (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق، ج ۲: ۳۳۶) همراه با التیام‌بخشی، انس، دوستی و همبستگی و مهرورزی با دیگران است. در آیات متعددی از قرآن، تألیف قلوب ذکر شده و خداوند متعال در آیه ۱۰۶ سوره آل عمران می‌فرماید: «وَأَذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ»؛ یا در آیه ۶۳ سوره انفال می‌فرماید: «وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ». مؤلفه‌القلوب در اسلام، برگرفته از آیه ۶۰ سوره توبه^۱ است که به سهم مؤلفه‌القلوب از زکات اشاره می‌کند. ایشان گروهی از تازه‌مسلمانان و یکی از مصادیق مستحقان زکات اند که اسلام با هدف جلب و جذب آن‌ها یا رفع خطرشان، با استفاده از سهمی از زکات، آنان را مورد حمایت مالی قرار می‌دهد. بیشتر فقهای شیعه نیز اعتقاد دارند که این موضوع پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و حتی پس از امامان معصوم علیهم السلام نیز وجود دارد (حلی، ۱۴۱۳ ق، ج ۸: ۳۴۲).

بنابراین، یکی از روش‌های اخلاقی در شکل‌دهی تمدن نوین اسلامی، مهرورزی با ملت‌ها و دولت‌های مسلمان در عرصه بین‌المللی است؛ چنانکه امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «الانسان عبد الاحسان» (تمیمی، ۱۳۹۲: ۳۸۵)؛ انسان بنده احسان است؛ از این رو، در عرصه دیپلماسی بر روش تسخیر دل‌ها به منظور پیشبرد اهداف سیاسی تأکید شده است. از سویی، تألیف قلوب ابزار مالی مؤثر و پردامنه‌ای برای فعال شدن

۱. إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمَوْلُفَّةَ قُلُوبِهِمْ.

دیپلماسی عمومی در حوزه سیاست خارجی است؛ از این رو، تخصیص سهمی از زکات یا منابع عمومی برای جلب افراد، جریان و گروه‌های مسلمان و حتی غیرمسلمان و دعوت آنان به معارف حقه الهی، که نشر آن از وظایف دولت اسلامی است، برای ایجاد تمدن نوین اسلامی ضروری است. اهمیت این بحث و استفاده از تألیف قلوب در عرصه سیاست خارجی، وقتی به خوبی درک خواهد شد که نخست اهمیت دیپلماسی عمومی و قدرت نرم در عصر نوین مورد توجه قرار گیرد؛ سپس، به رویکرد نوین قدرت‌های استعماری و سلطه‌گر - که گاهی سیاست و ابزار تزویر را براساس بینش واقع‌گرایی، بیش از دیگر ابزارها مورد اهتمام قرار داده‌اند - دقت شود. آن‌گاه می‌توان در این فضا در عرصه دیپلماسی با استفاده از ابزار کارآمد و مؤثر تألیف قلوب، برای مبارزه با ابزارهای مالی و سیاست تزویری دشمن چاره‌اندیشی کرد. تألیف قلوب مورد نظر قرآن در عصر حاضر نیز در عرصه‌های نوین سیاست می‌تواند و باید به دست مجریان جامع‌الشرایط دینی هویت و نقش اصلی خود را بازیابد.

باتوجه به اینکه تمدن، حاصل محبت انسان‌ها به یکدیگر است، مقام معظم رهبری علیه السلام در این باره به زندگی پیامبر به عنوان الگو رهبر واقعی برای تمدن نوین اسلامی اشاره کرده و در این زمینه بر جنبه‌های عاطفی و انسانی محض در زندگی پیامبر رحمت علیه السلام در تمام مراحل تأکید می‌کند که مستشرقین سعی کرده‌اند این نکته را مورد غفلت قرار دهند و بپوشانند و یک چهره خشن و آشتی‌ناپذیر و خالی از مهربانی و عطوفت ترسیم کردند؛ در صورتی که، مسیحی‌ها درباره حضرت مسیح روی جنبه محبت زیاد تکیه می‌کنند (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۵/۸/۱). به تعبیر مقام معظم رهبری علیه السلام پیامبر دو عامل را در کنار هم برای پیشبرد دعوت خودش به کار گرفته؛ یعنی با دشمنانی که هیچ‌گونه روی مسالمت و نرمش و حق‌پذیری ندارند و اهل خشونت‌اند، خشونت می‌کند، اما با انسان‌هایی که اهل خشونت نیستند و آماده پذیرش‌اند یا از آن‌ها ضرری متوجه نمی‌شود، ملایمت و نرمش می‌کند، آن‌هم نرمش همراه با عاطفه‌ی جوشان و احساسات پاک - که این در زندگی پیغمبر یک چیز عجیبی است و شبیه معجزه است - نه فقط نسبت به مسلمان‌ها که پیغمبر نسبت به مسلمان‌ها و مؤمنین آیتی از محبت و عطوفت و رحمت است، حتی نسبت به غیرمسلمان‌ها (همان).

البته، تألیف قلوب با محورهای مختلفی می‌تواند رخ بدهد که خود رعایت عهدها و

موافق بین‌المللی و گفتگوی مسالمت‌آمیز مخصوصاً بین امت اسلام و کشورهای اسلامی تأثیرگذاری زیادی در سرعت‌بخشی به شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی دارد. اهمیت رعایت عهدها در قرآن مشخص است (توبه: ۱۱؛ بقره: ۸۰. اسراء: ۳۴؛ نهج‌البلاغه، نامه ۵۳) و اهتمام به برقراری نظام تعهد و قانون و عمل به پیمان و احترام به میثاق، از لوازم تمدن و اصول مدینه فاضله به‌شمار می‌آید. اگر رعایت میثاق از جامعه‌ای رخت بربندد، امنیت، آزادی و دیگر شئون مدنیت آن نیز از میان خواهد رفت (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۱۱۵). همچنین، گفت‌وگوی پیروان مذاهب اسلامی، سرآغاز هم‌اندیشی و همدلی میان مسلمانان و سرآغاز تمدن پرشکوه اسلامی است. خداوند نیز هدف گفت‌وگو را رسیدن به گستره‌های مشترک بیان می‌فرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ (آل عمران؛ ۶۴)؛ بگو: ای اهل کتاب! بیایید از آن کلمه‌ای که پذیرفته‌ام و شماست پیروی کنیم». درواقع، می‌توان گفت که هدف مسلمانان در گفت‌وگو فقط بیان مواضع خود و رد مواضع طرف مقابل نیست، بلکه حل مسئله و همفکری و همکاری دو طرف برای حقیقت‌جویی است؛ از این‌رو، گفت‌وگو یکی از راهکارهای همدلی بین گروه‌ها و فرقه‌های اسلامی و حتی غیراسلامی است که سنگ‌بنای تشکیل تمدن اسلامی است؛ ازسویی، در گفت‌وگو ضروری است که حاکمیت اخلاق علمی نیز متناسب با مقام علمی و اقتضای بحث‌های علمی و گفت‌وگوها و مباحثات جدی و مفید باشد و همه اصول منطقی و اخلاقی رعایت شود و براساس اصل پذیرش دیگری و احترام متقابل به عقاید و آرای یکدیگر و با هدف کسب شناخت بیشتر و رفع سوءتفاهم‌ها، راهکارهای مناسب برای برون‌رفت از مسائل و معضلات دو طرف عرضه شود (علی‌اکبری، ۱۳۹۰: ۳۵).

۲-۳. تأکید بر کرامت و تکریم انسانی

در کتاب مفردات مرحوم راغب اصفهانی، درباره واژه «کرم» آمده: هرگاه خدای تعالی با این واژه وصف شود، اسمی است برای احسان و نعمت بخشیدن ظاهر و روشن او؛ مثل آیه «إِنَّ رَبِّيَ غَنِيٌّ كَرِيمٌ» (نمل: ۴۰). و هرگاه انسان با این واژه وصف شود، اسمی است برای اخلاق و افعال پسندیده‌ای که از انسان ظاهر می‌شود [و نشان از بزرگواری او دارد]؛ واژه کریم، تاوقتی که آن اخلاق و رفتار ظاهر نشود، گفته نمی‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۲۷ق: ۴۲۸).

اصل کرامت انسانی از اصول اسلام است و در قرآن و روایات به این اصل اشاره شده است. کرامت موهبتی است که از منظر قرآن مجید در بین مخلوقات ظاهری خداوند، تنها مخصوص آدمی است و هیچ موجود زمینی دیگری به این شرافت توصیف نشده است. تکریم انسان افزون بر شخصیت‌دادن به او، نخستین بار در آغاز خلقت او به وسیله باری تعالی انجام گرفت؛ آنجاکه به ملائکه دستور داد تا در برابر او سجده کنند و او را اشرف مخلوقات برشمرد: «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ...» (بقره: ۳۴)؛ بنابراین، نخستین کسی که به انسان کرامت بخشید، خداوند است.

خداوند افزون بر اینکه به ارسال فرستادگانی از جنس خود انسان برای راهنمایی وی اهتمام داشت، عقل و تدبیر نیز در نهاد او به ودیعت گذاشت تا بر دیگر مخلوقات پیشی گیرد و شرافت خویش را بر دیگران نمودار سازد. خداوند در این زمینه می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسرا: ۷۰)؛ به‌راستی ما فرزندان بنی آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به آنان روزی دادیم و آنان را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم». علامه طباطبایی در «تفسیر المیزان» بیان می‌دارد: ظاهر آیه آن است که بیان حال عموم بشر است. با چشم‌پوشی از اختصاص برخی از انسان‌ها به کرامت خاص الهی در قرب و فضیلت روحی آن‌ها، این کرامت، عموم مشرکین و کافران و فاسقان را شامل می‌شود (طباطبایی، بی تا، ج ۱۳: ۱۵۶). براین اساس، اسلام هیچ‌گونه تبعیض میان اقوام، نژادها و مرد و زن را قبول ندارد و براساس آموزه قرآنی «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات: ۱۳) آنچه موجب کرامت انسان است، تقوای الهی است نه زبان و رنگ. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌نویسد: اگر شمول آیه را بپذیریم، قرآن همه اختلافات طبقاتی را که موجب تفاخر می‌شود، نفی کرده است و هیچ انسانی بر دیگری برتری ندارد، مگر به تقوا (طباطبایی، بی تا، ج ۱۸: ۴۹۰-۴۸۷). انسان به اعتبار انسانیت خود از حقوق اولیه‌ای برخوردار است که به‌طور کامل و تام در هر شرایطی باید رعایت شود؛ از این رو، کرامت انسانی به‌عنوان یکی از اصول پایه‌ای و اولیه اسلام، نوعی روش اخلاقی مبتنی بر کرامت‌بخشیدن به ملل و جوامع دیگر را به‌منزله اصل اخلاقی تبیین می‌کند. براساس این اصل، به‌دنبال شخصیت‌دادن پروردگار به انسان، همه انسان‌ها موظف به

ارج نهادن به شخصیت انسانی خود و دیگران هستند. این امر در ترویج و گسترش تمدن نوین اسلامی نقش بسزایی دارد.

پیامبر ﷺ در آغاز تمدن اسلامی در مدینه النبی و در طول رسالت ۲۳ ساله خود، در فرصت‌ها و موقعیت‌های مختلف، اعراب را از بالیدن به تفاخرات نسبی و قبیلگی برحذر می‌داشت. ایشان پس از فتح مکه و در حساس‌ترین لحظه، خطبه‌ای ایراد کردند و مساوات اسلامی را بر همگان اعلام نمودند: «یا ایها الناس! الا ان ربکم واحد و ان اباکم واحد. الا لا فضل لعربی علی عجمی و لا لعجمی علی عربی و لا لاسود علی احمر و لا لاحمر علی اسود الا بالتقوی» (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۶: ۳۴۲). خداوند متعال درباره رفتار با اسرای جنگی - به‌عنوان یکی از رفتارهای اخلاق سیاسی - نیز براساس اصل کرامت فرموده است: «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا. إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا» (انسان: ۸ و ۹). علامه مجلسی از امام علی علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: هیچ‌گاه کشته‌ای را مثله نکنید؛ و پس از پیروزی بر مردان جنگجو، حجابی را مدیریت و بدون اجازه وارد خانه‌ای نشوید؛ و هیچ چیز از اموال دشمن را، جز آنچه در لشکرگاه موجود است، به غنیمت نگیرید؛ و هرگز با آزار و اذیت زنان، آنان را وادار به پرخاش نکنید، هرچند به ناموس شما و امامان و مقدسات شما اهانت کنند؛ زیرا ما زمانی که آنان در شرک به‌سر می‌بردند نیز اجازه نداشتیم متعرض آنان شویم؛ و این مسئله به‌گونه‌ای نزد همگان منفور بود که اگر فردی در جنگ با زنی درگیر می‌شد، برای همیشه خود و اولادش در بدنامی به‌سر می‌بردند (مجلسی، ۱۳۹۲، ج ۱۰۰: ۳۸).

مقام معظم رهبری علیه السلام درباره نقش کرامت انسانی و تکریم انسانی نسبت به تأثیرگذاری در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی می‌فرماید: «در مکتب سیاسی امام، هویت انسانی هم ارزشمند و دارای کرامت است، هم قدرتمند و کارساز است. نتیجه ارزشمندی و کرامت داشتن این است که در اداره سرنوشت بشر و یک جامعه، آرای مردم باید نقش اساسی ایفا کند» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۴/۳/۱۳۸۳). مقام معظم رهبری علیه السلام رأی مردم در نظام اسلامی را که زمینه‌ساز تمدن نوین اسلامی است از عناصر محوری کرامت و تکریم برمی‌شمارد و تأکید می‌کند که اوج مردمی بودن حکومت امام علیه السلام را در به رأی گذاشتن قانون اساسی در اوایل انقلاب می‌دانند و

معتقدند که رأی مردم تعیین‌کننده است و این به دلیل کرامت آن‌هاست که به واسطهٔ دین از ناحیهٔ خداوند متعال به آنان واگذار شده است. در مکتب سیاسی امام و رهبری، مردم‌سالاری از متن دین برخاسته است. از «امرهم شوری بینهم» (شورا: ۳۸) و «هو الّذی ایدک بنصره و بالمؤمنین» برخاسته است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۳/۸/۱۴)؛ بنابراین، یکی از قواعد مهم اخلاقی که در اسلام بر آن بسیار تأکید شده، کرامت انسان‌هاست که باعث رشد فضیلت‌های اخلاقی در مدینه فاضله است و این امر می‌تواند موجب رشد تمدن نوین اسلامی شود.

۲-۴. وحدت و همزیستی مسالمت‌آمیز

وحدت اسلامی و همزیستی مسالمت‌آمیز مسلمانان، یکی از اولویت‌های دینی و از دغدغه‌های اصلی و همیشگی جامعه اسلامی بوده و نقش بی‌بدیلی در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی خواهد داشت. در آیات زیادی بر وحدت جامعه اسلامی تأکید شده است: خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ» (بقره: ۲۱۳)؛ مردم در آغاز، یک امت واحد بودند و اختلافی نداشتند؛ همچنین، در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ» (مؤمنون: ۵۲). بنابراین، تأکید قرآن بر این اصل است که امت اسلامی یک امت واحد است؛ بر همین اساس، روش‌های اخلاقی در روایات نیز بیان شده است که این وحدت اسلامی و یکپارچگی سیاسی در دارالاسلام را تبیین می‌کند و به‌عنوان یکی از شرایط اصلی و تعیین‌کننده در ایجاد تمدن نوین اسلامی شناخته می‌شود. موضوعات زیادی بر وحدت اسلامی تأثیرگذار است که باید از آن‌ها استفاده کرد و در نگاه کلان مقام معظم رهبری علیه‌السلام یکی از این موضوعات وحدت‌بخش، موضوع فلسطین است که در اندیشهٔ ایشان، موضوعی شخصی بین فلسطین و رژیم اشغالگر قدس نیست، بلکه به همهٔ مسلمانان مربوط می‌شود (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۳/۰۳/۱۸). مقام معظم رهبری علیه‌السلام دربارهٔ اهمیت وحدت در شکل‌دهی تمدن اسلامی می‌فرماید: «در همان وقتی که همه دستگاه‌های قدرت بین‌المللی علیه اسلام تلاش می‌کنند، این ملت با مجاهدت، وحدت کلمه و شجاعت مثال‌زدنی خود توانسته است نام اسلام را بلند کند» (همان، ۱۳۸۱/۱۲/۲).

روش‌های اخلاقی که بیان می‌شود، تأثیر بسیاری بر اصل امت واحد اسلامی و

شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی دارد که از جمله می‌توان به مواردی چون تأکید بر حضور همگانی در عبادات و مراسم و مناسک اجتماعی مسلمانان، معاشرت نیکو مدارا با مخالفان، ملاحظه اختلاف افکار و توانایی‌های افراد اشاره کرد.

فراخوانی مکرر امامان به شرکت در مراسم عبادی و مناسک دینی - اجتماعی، تأکید بر حضور در نماز جمعه و جماعت، و فریضه حج - در دورانی که تحت اشراف مخالفان و رقبای سیاسی و فکری و حتی احياناً دشمنان اهل بیت بوده‌اند - بر کسی پوشیده نیست؛ مثلاً، در تأکید بر فریضه نماز جماعت، روایات فراوانی از امامان شیعه درباره اهمیت و جایگاه نماز جماعت و حتی ترجیح آن بر فضیلت نماز اول وقت گزارش شده است؛ همچنین، این بزرگان تأکیدات زیادی بر فضیلت وجوب حج و لزوم پرهیز از بی‌اعتنایی به آن داشته‌اند و آن را موجب تقویت دین می‌دانستند و حتی به زمامداران سفارش می‌کردند که مردم را به این فریضه واجب وادار کنند و حتی هزینه‌های آن را از بیت‌المال بپردازند (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۴۴).

ارزش اخلاقی دیگری که باعث وحدت امت اسلامی می‌شود، معاشرت نیکو، مدارا با مخالفان، و پرهیز از خشونت است. توصیه فراوان امامان بر مدارای دینی و همزیستی اجتماعی با پیروان مذاهب مختلف نیز در موارد و قالب‌های مختلفی گزارش شده است. در حدیثی از امام صادق علیه السلام در خصوص رفتار با مخالفان آمده است: «به امامان خویش که خود را پیرو آنان می‌دانید، نگاه کنید و به هر شکلی که آنان رفتار کردند، عمل کنید؛ به خدا سوگند که آنان از مریضشان عیادت می‌کنند و بر جنازه‌هایشان حاضر می‌شوند و در میان آنان به حق گواهی می‌دهند و امانتشان را به آنان بازمی‌گردانند» (کلینی، بی‌تا، ج ۲: ۶۳۶). همچنین، روش اخلاقی دیگر در این زمینه، خوش‌خلقی است که موجب وحدت امت اسلامی می‌شود. خداوند کریم می‌فرماید: «محمّد رسول‌الله وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح: ۲۹). البته این روش اخلاق، نه تنها باعث وحدت امت اسلامی می‌شود، بلکه سبب از میان رفتن دشمنی‌های بین جوامع اسلامی نیز می‌گردد (تمیمی، ۱۳۹۲: ۱۹۲۶).

همچنین، به رسمیت شناختن اختلاف و تنوع افکار، طبایع و سلیق بشری را باید مهم‌ترین گام و مبنای ایجاد تمدن اسلامی وحدت‌طلبی به‌شمار آورد. این اصل فراگیر، اگر به‌گونه‌ای درست و در چهارچوب مشترکات مذهبی و اصول اخلاقی

پذیرفته شود و بدان توجه شود، نه تنها مانع از منازعات اجتماعی می‌شود، بلکه با توجه به تأثیر آن در رفع زمینه‌های فرهنگی و اخلاقی اختلافات، موجبات وحدتی پویا را به همراه رشد فکری جامع فراهم خواهد ساخت. پرهیز از تحمیل عقیده، ترک مخاصمه و ستیزه‌جویی و پرهیز از تکفیر از جمله موارد به رسمیت شناختن اختلاف و تنوع افکار است که درباره پرهیز از تحمیل عقیده به این روایت می‌توان استناد کرد که باید با مردم به اندازه فهم و عقلشان سخن گفت (کلینی، بی تا، ج ۲: ۳۳۴)؛ بنابراین، نمی‌توان بیش از فهم مردم از آنان انتظار داشت. همچنین، درباره ترک مخاصمه و ستیزه‌جویی و نهی از مخاصمه فکری و جدال‌های مذهبی با مخالفان و پیامدهای زیان‌بار فکری، اجتماعی، تربیتی و اخلاقی آن نیز روایات فراوان وجود دارد (محمدی ری‌شهری، ۱۴۰۹ق: ۴۴) و درباره پرهیز از تکفیر باید بیان کرد که تکفیر و تفسیق‌های نابجای مسلمانان و صاحبان فرق اسلامی، یک از روشن‌ترین نتایج و لوازم عدم پذیرش اختلافات افکار و تعدد برداشت‌هاست و همین مانع شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی در عرصه گسترده خواهد بود.

مقام معظم رهبری علیه السلام درباره عنصر محوری وحدت برای شکل‌گیری تمدن است می‌فرماید: اما موضوع وحدت، موضوع یکپارچگی، موضوع یک‌جهتی دنیای اسلام و موضوع «واعتصموا بحبل الله جميعاً»، که قرآن ما را به آن امر می‌کند، متأسفانه، آن‌گونه که باید باشد، نیست و این کار دشمن است. ملت‌های اسلامی مایل به اتحادند، اما دشمن تلاش ویژه‌ای برای اخلال در این امر انجام می‌دهد؛ یعنی از طرق مختلف سرمایه‌گذاری مادی و معنوی مخصوصی برای ایجاد تفرقه می‌کند (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۵/۱۱/۲۱).

۲-۵. حفظ عزت نفس و برتری مسلمانان بر کفار

از دیدگاه اسلام، حفظ عزت نفس و برتری مسلمانان بر کفار، یک اصل شناخته‌شده است. خداوند در آیه ۱۴۱ سوره نساء می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا؛ خداوند به هیچ وجه قانونی قرار نداده است که کافران بر مسلمانان تسلط یابند»؛ بر این اساس، شرافت و عزت اسلامی ایجاب می‌کند تا در احکام، اموری که موجب خواری و ذلت امت اسلامی شود، وجود نداشته باشد. خداوند فرموده است: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (منافقون: ۸)؛ پس، وقتی شرف و

عزت به مؤمنان اختصاص دارد، هر چه موجب خدشه دار شدن این عزت شود، مردود است؛ براین اساس، قاعده نفی سبیل - که یک قاعده و اصل فقهی است - چهارچوبی برای عزت جوامع اسلامی می باشد و راه هرگونه نفوذ و سلطه کفار بر جوامع اسلامی در حوزه های مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی را مسدود می کند. از نظر سیاست بین الملل، نپذیرفتن تحت الحمایگی، نفی ظلم و استبداد و استعمار، و جایز نبودن مداخله بیگانگان در امور داخلی کشورهای اسلامی و تصمیم گیری های سیاسی، تأکید شده است و از نظر نظامی، تسلط بر مقدرات و تدابیر نظامی را نیز دربرمی گیرد. درضمن، جنبه سلبی عدم وابستگی اقتصادی و جلوگیری از نفوذ فرهنگی و منع استثمار، ناظر به نفی سلطه بیگانگان بر مقدرات و سرنوشت سیاسی و اجتماعی مسلمانان است و جنبه ایجابی آن بیانگر وظیفه دینی امت اسلامی در حفظ استقلال سیاسی و از بین بردن زمینه های وابستگی است (زارعی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۶۸).

از آنجاکه شعار نفی سلطه در بین امت اسلامی و بین ملت های مسلمان شعاری در همگرایی بین مسلمانان تأثیرگذار است، همین امر مقدمه شکل دهی تمدن نوین اسلامی خواهد بود و شعار جمهوری اسلامی ایران به عنوان نظامی زمینه ساز در مسیر تمدن نوین اسلامی بر همین امر بنا شده است. از این روست که مقام معظم رهبری علیه السلام می فرماید: «جمهوری اسلامی یک نفی با خود دارد، یک اثبات؛ نفی استثمار، نفی سلطه پذیری، نفی تحقیر ملت به وسیله قدرت های سیاسی دنیا، نفی وابستگی سیاسی، نفی نفوذ و دخالت قدرت های مسلط دنیا در کشور، نفی سکولاریسم اخلاقی؛ اباحی گری؛ این ها را جمهوری اسلامی قاطع نفی می کند. یک چیزهایی را هم اثبات می کند: اثبات هویت ملی، هویت ایرانی، اثبات ارزش های اسلامی، دفاع از مظلومان جهان، تلاش برای دست پیدا کردن بر قله های دانش؛ نه فقط دنباله روی در مسئله ی دانش، و فتح قله های دانش؛ این ها جزو چیزهایی است که جمهوری اسلامی بر آن ها پافشاری می کند» (آیت الله خامنه ای، بیانات، ۱۳۸۷/۹/۲۴).

۲-۶. مجاهدت

بی شک، پایه گذاری، تکوین و گسترش تمدن ها فقط در پرتو تلاش مستمر انسان ها میسر است و یکی از شاخصه های بارز تمدن ها، تلاش مستمر افراد آن است. در منابع

اسلامی این تلاش مستمر مورد توجه تام قرار گرفته و از آن با عنوان مجاهدت یاد شده است که تأثیری بس عظیم در رشد و دوام تمدن اسلامی دارد. این مجاهدت مختصات مربوط به خود را دارد که در هیچ تمدنی مسبوق به سابقه نیست. این واژه در فرهنگ قرآنی نیز مورد توجه قرار گرفته و در مقاطع مختلف دستور به مجاهدت در همه امور داده است. در بیان مقام معظم رهبری علیه السلام، واژه مجاهدت واژه‌ای استراتژیک است و آثاری عمیق در رشد و دوام تمدن نوین اسلامی دارد. ایشان با استناد به آیه «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت: ۶۹) معتقد است که در صورت مجاهدت، حصول موفقیت و دریافت تأییدات الهی قطعی است.

در دیدگاه امام خامنه‌ای علیه السلام مجاهدت فوق با تلاش معمولی بسیار تفاوت دارد که اصلی‌ترین تفاوت آن با تلاش معمولی با استناد به آیه فوق، موضوع مهم اخلاص است (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۳/۳/۲۲ و ۱۳۹۱/۱۲/۱۴). در آیه یادشده با توجه به قید «فِيْنَا» و تأکید «لَنَهْدِيَنَّهُمْ» به صراحت درباره همه امور جهادی که در مسیر رضای الهی باشد، وعده موفقیت قطعی و نصرت الهی داده شده است؛ بنابراین، به اعتقاد معظم‌له، مجاهده یکی از ارکان شکل‌گیری تمدن اسلامی است. براساس فرمایش مقام معظم رهبری علیه السلام، برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی باید جهاد کرد؛ و اگرچه جهاد اکبر، مبارزه با نفس است، اما جهاد اصغر، مبارزه با دشمن خارجی و مستکبران جهان است. مقام معظم رهبری علیه السلام با مطرح کردن جهاد سیاسی، جهاد اقتصادی و جهاد علمی، مسلمانان را تشویق به مجاهدت می‌کند؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که در اندیشه آن حضرت، جهاد در همه زمینه‌ها موجب پیشبرد اهداف متعالی می‌شود و در مقابل دشمن عقب‌نشینی نمی‌شود. ایشان در زمینه مجاهدت می‌فرماید: «اسلام این توانایی را داشت و دارد که بشریت را به سعادت برساند، به کمال برساند و از لحاظ مادی و معنوی او را رشد دهد. این پایه‌هایی که پیغمبر گذاشتند - پایه ایمان، پایه عقلانیت، پایه مجاهدت، پایه عزت - پایه‌های اصلی جامعه اسلامی است» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۴/۹ و ۱۳۹۲/۸/۲۹).

۲-۷. پیشران انتظار

انتظار فرج همواره عاملی مؤثر برای تحرک‌آفرینی در جامعه شیعه بوده تا در برابر مشکلات و موانع، خوف و حزنی نداشته و زمینه‌ساز مقدمات نهضت امام قائم علیه السلام

باشد. طبق تصریح آیت‌الله خامنه‌ای علیه‌السلام، تکامل بشریت مقطعی نیست، بلکه تدریجی است و تکامل بشریت در دنیا در دوران ظهور محقق می‌شود: «این تکامل انسان در دوران پس از ظهور، امری دفعی نیست، بلکه تدریجی و با سیر مراحل تکامل است» (همان، ۱۳۹۳/۳/۲۱ و ۱۳۸۲/۲/۲۰).

اینکه مقوله و محور انتظار به‌عنوان یک پیشران در تمدن‌سازی نوین اسلامی مطرح می‌شود، برخاسته از دیدگاه رهبری است که بر قانع‌نبودن به وضعیت موجود تأکید شده است. از دیدگاه ایشان، انتظار یک حقیقت مستلزم آن است که شخص منتظر معتقد باشد که در حال حاضر آن حقیقت و آن گشایش تماماً محقق نشده است؛ بنابراین، به وضعیت موجود قانع نیست. شاخصه وضعیت موجود در حال حاضر نیز همان ظلم و جور است که در دنیا وجود دارد و با ظهور حضرت ولی عصر علیه‌السلام و استقرار عدالت کامل، برطرف می‌شود (همان، ۱۳۹۰/۴/۱۸ و ۱۱/۱۲/۱۳۶۹).

در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای علیه‌السلام، انتظار فرج از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و ایشان ذیل یکی از روایات اخلاقی، که انتظار فرج را عبادت معرفی کرده‌اند، تأکید می‌نماید که در انتظار فرج حضرت ولی عصر علیه‌السلام، مسئله این نیست که گشایش نسبت به کار فرد یا درنهایت، شیعیان حاصل شود، بلکه گشایش و فرج نسبت به تمام بشریت مورد انتظار است (همان، ۱۳۸۷/۵/۲۷، ۱۳۹۳/۳/۲۱).

آیت‌الله خامنه‌ای علیه‌السلام تمام حرکات مسئولان در مسیر استقرار عدالت؛ اسلام و احکام اسلامی در جمهوری اسلام، پیشرفت در کسب معرفت، صلاحیت‌ها و اصلاح جامعه، فداکاری و شهادت، تشکیل حکومت اسلامی بر اثر انقلاب اسلامی ایران و تداوم انقلاب اسلامی را باعث نزدیک شدن ظهور می‌داند و تصریح می‌کند در صورت نبود این موارد ممکن نیست امام زمان علیه‌السلام ظهور کند (همان، ۱۳۸۷/۵/۲۷ و ۱۳۷۰/۱۱/۳۰ و ۱۳۷۹/۸/۲۲).

پیشران اخلاقی انتظار از آن رو به‌عنوان پیشران اخلاق سیاسی در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی مطرح می‌شود که افزون بر اصلاح معرفت دینی و فهم از دین و تمدن دینی، باعث امیدبخشی و نیروبخشی برای اقدام می‌شود، موجب ساخت سرنوشت بشر می‌شود و رهایی از پوچی مردم و ایستادگی و مبارزه در برابر ظلم و

استکبار را در پی دارد.

توضیح موارد فوق آن است که یکی از کارکردهای اساسی انتظار فرج کمک به فهم صحیح از دین است و به تعبیر رهبری «مسئله انتظار، که جزء لاینفک مسئله‌ی مهدویت است، از آن کلیدواژه‌های اصلی فهم دین و حرکت اساسی و عمومی و اجتماعی امت اسلامی به سمت اهداف والای اسلام است» (همان، ۱۳۹۰/۰۴/۱۸). هم‌چنین، این اعتقاد که بنا نیست دنیا با ساختارها، قالب‌ها و نظامات استکباری فعلی باقی بماند، باعث ایجاد امید در ملت‌های محروم و مظلوم به رهایی از ظلم و ستم است. این امید به‌گونه‌ای است که در همه‌ی مراحل زندگی فردی و اجتماعی خود را نشان می‌دهد؛ بنابراین، خود انتظار، فرج و راهگشاست (همان، ۱۳۸۲/۲/۲۰ و ۱۳۷۲/۱۱/۸). هم‌چنین، امام خامنه‌ای عجله‌الله تعالی در این باره، که محور انتظار به‌خاطر رهایی از پوچی در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی کمک‌کننده است، می‌فرماید: «ملت‌ها و به‌خصوص جوانان عالم که خود را به سنت‌ها پایبند نکرده‌اند، با دیدن مظاهر ظلم و ستم در دنیا دچار یأس و ناامیدی و درنهایت، دچار پوچی می‌شوند؛ بنابراین، اعتقاد به آینده و فراگیرشدن عدالت در جهان، مانع گرفتاری ملت‌ها به پوچی است (همان، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰). نیز اینکه مقوله انتظار با واسطه ساخت سرنوشت بشر در شکل‌گیری تمدنی مؤثر است، به این کلام رهبری استناد می‌شود که می‌فرماید: «باور به مهدی موعود و موضوع عهد ظهور و فرج و انتظار آن، گنجینه عظیمی است که می‌توان از آن بهره‌های فراوانی برد؛ یکی از آن موارد در میدان زندگی اجتماعی و عمومی است و آن عبارت است از کنشگری بهنگام در ساخت سرنوشت بشر و ملت‌ها (همان، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷). ایستادگی و مبارزه در برابر ظلم و استکبار یکی از مهم‌ترین ابعاد انتظار است که به‌طور قطع و طبق پیش‌رآن اول پژوهش باعث شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی خواهد بود (همان، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲ و ۱۳۷۱/۱۱/۱۸).

نتیجه‌گیری

برخلاف دیدگاه اندیشمندان غربی - که دیدگاه غالب آنان درباره رابطه قواعد اخلاقی با سیاست، نگرش رئالیستی است - اندیشمندان مسلمان، از دوران پرشکوه تمدن اسلامی تاکنون، سیاست را در پرتو اخلاق تعریف کرده‌اند و اخلاق را چراغ راه سیاست

دانسته‌اند؛ از این رو، اصطلاح اخلاق سیاسی نقش محوری در سیاست‌ورزی دارد. پژوهش پیش‌رو با توجه به اهمیت اخلاق سیاسی به دنبال آن بوده تا از این رهگذر، زمینه‌های شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی را تبیین و تحلیل کند؛ آن‌هم با تأکید بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری علیه‌السلام که بر ایجاد تمدن نوین اسلامی تصریح و اصرار بسیاری داشته است.

عوامل، زمینه‌ها، محورها، اصول و مؤلفه‌های متعددی در تمدن‌سازی نوین اسلامی تأثیرگذارند، اما برخی عناصر اساسی به‌عنوان پیشران‌های اخلاق سیاسی در شکل‌گیری تمدن اسلامی نقش پررنگ‌تری دارند و موجب تسریع در این زمینه می‌شوند که با تأکید بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری علیه‌السلام این پیشران‌ها، عدالت، تألیف قلوب، کرامت و تکریم انسانی، وحدت و همزیستی مسالمت‌آمیز، حفظ عزت و برتری مسلمانان بر کفار، مجاهدت و مقوله انتظار هستند.

تفاوت پیشران‌های مذکور با دیگر محورهای تمدن‌ساز در دیگر پژوهش‌ها آن است که این پیشران‌ها جملگی بر عنصر اساسی معنویت و جنبه نرم‌افزاری و درونی تمدن تأکید دارند؛ زیرا محورهای مادی و بخش تکنولوژی و سخت‌افزاری تمدن گرچه حائز اهمیت است، اما بدون این جنبه فاقد کارایی و باعث سقوط است و بلکه اساساً مانع شکل‌گیری خواهد بود. نتیجه دیگر آنکه پیشران‌های مذکور در عین تأکید بر جنبه فردی بر جنبه اجتماعی استوار شده‌اند و افزون بر آنکه موجب شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی می‌شوند، باعث ثبات و تقویت آن نیز می‌گردند.

کتابنامه

- قرآن کریم.
 نهج البلاغه.
 انکیسون، آر. اف (۱۳۹۱). درآمدی بر فلسفه اخلاق. (سهراب علوی‌نیا، مترجم). تهران، هرمس.
 اسلامی، سیدحسین (۱۳۸۱). امام، اخلاق، سیاست. تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی.

- الهامی‌نیا، علی‌اصغر (۱۳۸۵). اخلاق سیاسی. قم. زمزم هدایت.
 ارسطو (۱۳۷۸). اخلاق نیکوماخوس. (محمدحسن لطفی، مترجم). تهران، طرح‌نو.
 بشیریه، حسین (۱۳۷۹). تاریخ اندیشه‌های سیاسی قرن بیستم. تهران، نشر نی.

- تسخیری، محمدعلی (۱۳۸۳). ایده‌های گفت‌وگو با دیگران. (محمد مقدس، مترجم). قم، مجمع جهانی اهل‌البيت علیهم‌السلام.
- تمیمی، عبدالوحيد (۱۴۱۰ق). غررالحکم و دررالکلم، (سیدمهدی رجایی، مصحح). تهران، دارالکتب اسلامیه.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹). ولایت فقیه؛ ولایت فقاقت و عدالت. قم، اسرا.
- حاجی پور، حسین، و مولوی وردیجانی، عیسی (۱۴۰۱). الگوی اصول اخلاقی رسانه در تبلیغ دینی. پژوهشنامه اخلاق، ۱۵ (۵۶)، ۷-۳۰.
- حلی، حسین بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۳ق). مختلف الشیعه فی احکام الشریعه. قم، اسلامی.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۴). جامعه علوی در نهج البلاغه. قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه.
- دورانت، ویل (۱۳۳۱). تاریخ تمدن، (احمد آرام، مترجم). تهران، بی‌نا.
- دورانت، ویل (بی‌تا). مشرق‌زمین گهواره تمدن. (احمد آرام، ع پاشایی و امیرحسین آریانپور، مترجمان). تهران، علمی-فرهنگی.
- مسکویه رازی، ابوعلی (۱۳۶۹). اخلاق و راه سعادت. (امین نصرت‌بیگم، مترجم). تهران، فیض کاشانی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۲۷ق). مفردات الفاظ القرآن. قم، منشورات طلیعه نور.
- زارعی، بهادر، زینی‌وند، علی، و محمدی، کیمیا (۱۳۹۳). قاعده نفی سبیل در اندیشه اسلامی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی. مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۱ (۲۶)، ۱۶۷-۱۸۲.
- دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲ق). إرشاد القلوب إلى الصواب. قم، شریف الرضی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵). درآمدی بر دایرة‌المعارف علوم اجتماعی. تهران، سازمان انتشارات کیهان.
- سالیوان، راجر (۱۳۹۴). اخلاق در فلسفه کانت. (عزت‌الله فولادوند، مترجم). تهران، طرح نو.
- شبر، السیدعبدالله (۱۳۷۴). الاخلاق. (محمدرضا جباران، مترجم). قم، انتشارات هجرت.
- شریعتی، روح‌الله. (۱۳۸۲). اخلاق سیاسی و قواعد فقه سیاسی. علوم سیاسی، ۶ (۲۳)، ۱۳۱-۱۴۶.
- شیروانی، علی (۱۳۸۴). اخلاق اسلامی و مبانی نظری آن. قم، دارالفکر.
- شیروندی، مرتضی (۱۳۹۵). اندیشه‌های سیاسی در اسلام. قم، انتشارات زمزم هدایت.
- طباطبایی، محمدحسین (بی‌تا). المیزان فی تفسیر القرآن. قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- طوسی، خواجه‌نصیرالدین (۱۳۷۳). اخلاق ناصری. (مجتبی مینویی و علیرضا حیدری، مصححان). تهران، خوارزمی.
- علی‌اکبری، راضیه (۱۳۹۲). اشاعه منطق گفت‌وگوی میان مسلمانان با معیارهای قرآنی. تهران، مجمع جهانی اهل‌البيت علیهم‌السلام.

- غزالی، ابومحمد (بی تا. الف). احیاء العلوم. بی جا، دارالکتب العربی.
- غزالی، ابومحمد (بی تا. ب). نصیحه الملوك. (جلال الدین همایی، مصحح). تهران، مجلس.
- فارابی، ابونصر (۱۹۹۵ م). آرای اهل المدینه الفاضله و مضاداتها. بیروت، مکتبه الهلال.
- فرانکنا، ویلیام (۱۳۹۳). فلسفه اخلاق. (هادی صادقی، مترجم). قم، طه.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ ق). العین، قم، الهجره.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). الجامع لاحکام القرآن. تهران، ناصر خسرو.
- کلینی، محمد بن یعقوب (بی تا). الکافی. تهران، دارالکتب اسلامیه.
- لکزایی، نجف (۱۳۸۶). درآمدی بر مستندات قرآنی فلسفه سیاسی امام، قم، بوستان کتاب.
- لطفی، مهرعلی و دیگران (۱۴۰۰). بررسی و تحلیل پیشران‌های حاکم بر ساختار سیاسی رژیم صهیونیستی. مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۸ (۶۶)، ۹۷-۱۲۰.
- ماکیا، نیکولو (۱۳۸۸). شهریار. (داریوش آشوری، مترجم). تهران، آگاه.
- مبلغی، احمد (۱۳۸۴). سخن قرآن پیرامون گفتگوی اندیشه و اندیشه گفتگو. در: مجموعه مقالات استراتژی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق). بحار الأنوار. بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۴۰۹ ق). میزان الحکمه. قم، مکتبه اعلام الاسلامیه.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۴). فلسفه اخلاق. قم، مؤسسه آموزش عالی امام خمینی علیه السلام.
- مفید، محمد بن محمد (۱۳۶۴). امالی. (حسین استادولوی، مترجم). مشهد، آستان قدس رضوی.
- منسکی، ورنر، نسبیت، النور، لاتون، کلائیو، ابن علی، معشوق، شانون، ترور، و مورگان، پگی (۱۳۷۸). اخلاق در شش دین جهان. (محمد حسین وقار، مترجم). تهران، اطلاعات.
- مولوی وردنجانی، عیسی، و سیاهپوش، امیر (۱۴۰۲). پیشران‌های گذار از مراحل تمدن نوین اسلامی و دستیابی به جامعه مطلوب اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری. جستارهای سیاسی معاصر، ۱۴ (۱)، ۱۴۹-۱۷۴.
- مهاجرنیا، محسن (۱۳۸۱). اخلاق مدنی در اندیشه ملا احمد نراقی. علوم سیاسی، ۵ (۱۷)، ۶۶-۵۵.
- نراقی، محمد مهدی (۱۳۶۴). جامع السعادات. (جلال الدین مجتبیوی، مترجم). تهران، حکمت.
- ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۳). پویایی و بالندگی تمدن اسلامی. پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ۱۰ (۴۷ و ۴۸)، ۱۶-۸۰.
- ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۴). فرهنگ و تمدن اسلامی. قم، نشر معارف اسلامی.